

تاملاتی بر «انتفاضه‌ی سوم»

نویسنده: طاریق دعنا

ترجمه: آرام خاکسار

«در تناقض، امید آرمیده است.» / برتولت برشت

تهاجم کنونی اسرائیل علیه غزه و سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات [علیه آن] در کرانه‌ی باختری، بیت‌المقدس^۱ و شهرهای عرب‌نشین در داخل اسرائیل^۲، در پیوند با ناتوانی و همدستی دولت خودگردان فلسطین [با سیاست‌های اسرائیل]، گرایش عمومی و فزاینده‌ی فلسطینیان در جهت برهم‌زدن وضع موجود را شدت بخشیده است.

پس از این‌که نوجوان فلسطینی، محمد ابوخدیر، توسط دارودسته‌ای متعصب در بیت‌المقدس سوزانده شده و به قتل رسید، روند جهشی و رشدیابنده‌ی اعتراضات فلسطینی‌ها و درگیری‌ها با نیروهای اشغال‌گر اسرائیل و شهرک‌نشینان، [رژیم] اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین را غافلگیر کرده است.

چنین پویایی‌ای توجه ناظران را به خود جلب کرده است؛ و بسیاری از کسانی را که به پرسش امکان وقوع انتفاضه‌ی سوم در سرزمین‌های اشغالی پاسخی قطعی نمی‌دهند، به خود مشغول ساخته است. در حقیقت، گمانه‌زنی [در چنین وضعیتی] کار دشواری است. شرایط عینی که برای فوران خیزش جدید ضروری است، [یعنی] تداوم استعمار اسرائیل، فلاکت اجتماعی-اقتصادی و اضمحلال گفتگوهای «صلح»، مدت زیادی است که برقرار بوده و همچون آتش زیر خاکستر تلمبار شده‌اند. با این حال، مانع اصلی این است که فلسطینی‌ها از کمبود شرایط ذهنی مناسبی که بتواند پویایی انقلابی را تغذیه کند، رنج می‌برند. احزاب سیاسی فلسطینی که قاعدتاً بایستی پیش‌برنده‌ی بسیج مردمی و هدایت [مبارزه] باشند، تا حد زیادی اعتبار خود را از دست داده‌اند، و در حال حاضر، همچون موارد انتفاضه‌های پیشین، نه قادر به رهبری توده‌ها هستند و نه تمایلی به این کار دارند. جنبش‌های توده‌ای که مشخصه‌ی اصلی تاریخ پر افت‌وخیز جامعه‌ی مدنی فلسطین بود، به ان‌جی.او.های نخبه‌گرا، سیاسی و حرفه‌ای که توسط نهادهای خارجی پایه‌گذاری شده و [در نتیجه] از نیازها و دغدغه‌های توده‌ی مردم گسست یافته‌اند، تغییر شکل داده است. سیاست‌های نئولیبرالی دولت خودگردان فلسطین ارزش‌های تفرقه‌افکنانه‌ای نظیر فردگرایی، مصرف‌گرایی و منفعت‌طلبی شخصی را به ساختار اجتماعی فلسطین تحمیل کرده است، که این امر موجب تحلیل رفتن بنیان‌های جمع‌گرایی^۳، خودکفایی^۴ و دغدغه‌مندی برای خیر عمومی در جامعه گشته است. همکاری امنیتی میان اسرائیلی و دولت خودگردان فلسطین، نشان داده است که برای مبارزه‌ی

۱ اورشلیم

۲ منظور از «داخل اسرائیل» آن بخش بزرگی از سرزمین‌های فلسطین اشغالی است که به‌طور کامل توسط رژیم اسرائیل اشغال شده است و تحت حاکمیت مطلق آن قرار دارد [مترجم].

ضداستعماری سراسری فلسطینیان مخرب است، چراکه این همکاری به‌ویژه به دنبال درهم‌شکستن هر شکلی از مقاومت، چه مردمی و چه مسلحانه، است.

این فقدان شرایط ذهنی، ممکن است موقتاً امکان یک انتفاضه‌ی سوم را به تعویق بیاندازد؛ ولی با توجه به اینکه منطقه‌ی ما سرشار از شگفتی‌های غیرمنتظره است، هیچ بعید نیست که چنین پنداشتی اشتباه از آب درآید. در واقع، سوبه‌ی دیگری از وضعیت نیز هست که امکان دارد این معادله‌ی متداول را بر هم زند. به عنوان نمونه، یکی از دغدغه‌های مشترک دولت خودگردان فلسطین و رژیم اشغال‌گر اسرائیل، این است که ثبات سیاسی را، بدون در نظر گرفتن شرایط هولناک استعماری و وضع غیرقابل تحمل موجود، در سطوح رضایت‌بخشی تأمین نمایند. این میل شدید برای دستیابی به ثبات سیاسی، واقعاً به علایق متقابل و مشترک دو طرف بدل شده است.

وظیفه‌ی دولت خودگردان فلسطین این شده است که بیشتر منابع و توان خود را برای تضمین امنیت اسرائیل به خدمت بگیرد (بیش از ۳۱ درصد از بودجه‌ی سالانه‌ی دولت خودگردان فلسطین برای اداره‌ی واحد امنیتی این دولت صرف می‌شود)، و در صورتی که رژیم اسرائیل از نحوه‌ی عمل این دولت راضی باشد، آنگاه اسرائیل امتیازات ویژه‌ی نخبه‌گان دولتی را محفوظ داشته و بقای دولت خودگردان فلسطین را در همین شکل کنونی تضمین می‌نماید. بنابراین، اگر مردم به این درک نائل شوند که دولت خودگردان فلسطین به سد عمده‌ای در راه رویارویی با نیروهای اسرائیلی و شهرک‌نشینان بدل شده است، آنگاه ممکن است که از این دولت روی‌برگردانده و در برابر آن قرار گیرند؛ [در این صورت] قدم اول در جهت جایگزین کردن واقعیتی جدید بر این سرزمین، تنها با از بین بردن ساختارهایی که توسط [معاهد] [معاهد] «اسلو» بنیان گذاشته شده‌اند، می‌تواند برداشته شود.

یک نمونه‌ی نویدبخش که در جریان رویدادهای اخیر تکوین یافت، در فراخوان جنبش‌های جوانان برای تاسیس کمیته‌های مردمی در راستای دفاع از شهرها و روستاهای فلسطینی در برابر یورش مستعمره‌نشینان/شهرک‌نشینان اسرائیلی معرفی شده است. این [فراخوان] نشان‌دهنده‌ی آن است که بسیاری از فلسطینی‌ها با جدیت در حال طراحی و بنا نهادن ساختارهایی بدیل هستند تا از محدودیت‌های [تحمیل‌شده توسط] دولت خودگردان فلسطین و احزاب سیاسی فراروی نمایند. چه بسا، اگر این امر در آینده‌ی نزدیک اتفاق بیافتد، ممکن است سرانجام [این حرکت] به اشکال جدید سازماندهی سیاسی و اجتماعی در لایه‌های مردم عادی رهنمون شود؛ و یا شاید از [ایجاد] یک ساختار جدید رهبری، که رنج‌ها و دغدغه‌های آن با رنج‌ها و دغدغه‌های مردم یکی باشد، حمایت کند.

چه ما اکنون در آستانه‌ی انتفاضه‌ی سوم باشیم و چه نباشیم؛ حوادث اخیر نشان داده است که مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی هنوز در آگاهی فلسطینی‌ها ریشه دارند؛ آنچه می‌ماند، تبدیل کردن این آگاهی به یک کنش سازمان‌یافته‌ی ضداستعماری [علیه رژیم اسرائیل] است.

Collectivism*

Self-reliance*

* این متن ترجمه‌ای است از [Thoughts on the Third Intifada](#) که در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۴ در وبسایت [The Alternative Information Center](#) منتشر شده است.